



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۱ دی ۱۳۸۸
۱ ژانویه ۲۰۱۰

ماشین سرکوب رژیم را باید متوقف کرد!

روز یکشنبه ۶ دی ماه بار دیگر جمهوری اسلامی به روی مردم معترض آتش گشود، در اعتراضاتی که در مناسبت عاشورا و تاسوعا در شهرهای مختلف صورت گرفت، شاهد تعرض وسیع ماشین سرکوب به مردمی بودیم که به خیابانها آمدند. جناح حاکم تعدادی را زیر چرخ ماشین سرکوبگرانش له کرده و جنایت و ترورهای آشکاری را سازمان داد. در این مدت در تجمعات به مناسبت مرگ منتظری و بنیال در اعتراضاتی که به مناسبت تاسوعا و عاشورا اتفاق افتاد، صدها نفر از مردم، و از کسانی که مخالف جناح خامنه ای- احمدی نژاد بوده اند، دستگیر و روانه زندان شده اند. این جنایت به حق نفرت گسترده تری را از جمهوری اسلامی در کل جوامع بشری دامن زده است. حمله به مردم و کشتار و دستگیری و زندان آنها به هر بهانه ای، محکوم است. همه دستگیر شدگان باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند.

در اعتراضات این مدت شاهد صحنه هائی از تلاش و فداکاری مردم در اعتراض به جناح حاکم بوده ایم که نشانه عمق تنفر و بیزاری آنها از وضعیت موجود است. آنچه مسلم است مردم به حق جمهوری اسلامی را نمیخواهند، این را سی سال است ما شاهدیم. سی سال است به

صفحه ۲

کوروش مدرسی

سنت مردگان در ذهن زندگان!

در حاشیه انکشاف جنبش سبز

رویداد های حول مرگ منتظری و تاسوعا و عاشورا بار دیگر این سوال را در مقابل همه قرار داده است که این وضع به کجا می انجامد؟ اما نفس این سوال نادرست است. "سیر اوضاع به کجا می رود؟" در حال اتفاق است؟ "چه باید کرد؟" صرف نظر از اینکه محتاج درجه زیادی از فال بینی سیاسی است (که به تخصص سیاسیون و "کارشناسان" دائم در حال معلق زدن ایران تبدیل شده است) سوال از منظر ناظر است نه تغییر دهنده. ناظر بنا به تعریف در آنچه اتفاق می افتد نقشی ندارد. ناظر و مفسر است. ناظر از نظر مارکسیستی و از نظر سیاسی پاسیو است. سوال درست این است که "چه چیز در

رویداد های حول مرگ منتظری و تاسوعا و عاشورا بار دیگر این سوال را در مقابل همه قرار داده است که این وضع به کجا می انجامد؟ اما نفس این سوال نادرست است. "سیر اوضاع به کجا می رود؟" در حال اتفاق است؟ "چه باید کرد؟" صرف نظر از اینکه محتاج درجه زیادی از فال بینی سیاسی است (که به تخصص سیاسیون و "کارشناسان" دائم در حال معلق زدن ایران تبدیل شده است) سوال از منظر ناظر است نه تغییر دهنده. ناظر بنا به تعریف در آنچه اتفاق می افتد نقشی ندارد. ناظر و مفسر است. ناظر از نظر مارکسیستی و از نظر سیاسی پاسیو است. سوال درست این است که "چه چیز در

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان کردستان

توطئه تروریستی جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون را باید خنثی کرد

در یک ماهه اخیر جمهوری اسلامی اقدام همکاری انترپول (پلیس بین الملل) توطئه گرانه جنیدی را علیه اپوزیسیون کماکان میخواد دامنه تروریسم خود را خود به نمایش گذاشته است. اولین رژیم در خارج کشور علیه اپوزیسیون گسترش حامی تروریسم بین المللی ناکام از اعزام تیمهای تروریستی به خارج از مرزهای خود این بار با شگردی تازه و جلب گری رژیم تروریستی اسلامی تبدیل شده

"اینترپل" گیت جمهوری اسلامی

گفتگو کمونیست هفتگی با ثریا شهابی، سخنگوی کمپین "ایست! به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی"

کمونیست هفتگی: خبر اقدام اخیر پلیس افراد؟ بین الملل (اینترپل) در انتشار عکس و مشخصات یازده تن از شخصیت های اپوزیسیون که عموماً از فعالین و دوستداران حزب حکمتیست اند، را چگونه توضیح میدهید؟ چرا امروز و چرا این

شیرین عبادی و پدر "حقوق بشر"

بنیال مرگ منتظری، شیرین عبادی در پدیده دیگر جهان مادی طبقیتست. "سوگنامه" ای او را پدر حقوق بشر نامید و گفت اگرچه جامعه ایران بقدر کافی از وی قدردانی نکرده اما تاریخ اینکار را خواهد کرد. پدیده حقوق بشر مانند هر

کارگران جهان متحد شوید!

مذهب از دولت و جنبش سکولاریسم در ایران لباس مذهبی برتن کنند. یک سال پیش باورنکردنی بود که بتوان جنبش رهایی زن در ایران را با حجاب و صلوات به جنگ بی حقوقی زن آورد. یک سال پیش کسی تصور نمیکرد که بتوان زنان عملاً از حجاب گریخته در جمهوری اسلامی را با حجاب به میدان جنگ با حجاب کشاند. یک سال پیش سخت بود تصور کرد که خواست جدائی دولت از مذهب و جنبش سکولاریسم در ایران را عقب راند. اما این اتفاق افتاده است.

آنها که بورژوازی ایران را میشناسند این چرخش را پیش بینی میکردند.

اگر کسی سنت بورژوازی ایران را بشناسد میداند که از جنبش مشروطه تا امروز خزین به زیر عیای مذهب سنت اصلی این طبقه بوده است. از حکم "سلطنت موهبت الهی است که از جانب مردم به شاه داده میشود" صفحه ۲

و با انتشار پوستر و مشخصات تعدادی از شناخته شده ترین رهبران و فعالین سیاسی اپوزیسیون در راستای اهداف جمهوری اسلامی گام برداشته است. تاکنون برای این افراد پوستر و دستور تعقیب صادر شده است: علی عبدالی، رسول بنووند، رحمت فاتحی، عبدالله دارابی، اسد گلچینی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، کوروش مدرسی، مظفر محمدی، توفیق پیر خضری، صالح سرداری و سلام زیجی. این افراد همه از اعضای رهبری و دوستان صفحه ۴

توطئه، بی تردید میتوان گفت در میان قدرتهای مخرب حاکم بر جهان "استعداد" منحصر بفردی دارد که تنها از رژیم های فاشیستی ساخته است. جمهوری اسلامی حکومتی است که برای ماندن و برای بقا به هر جنایت ممکن دست میبرد و دست برده است. چند حکومت، و بخصوص سرمایه دارنه، را می شناسید که فعال کارگری را به خاطر برگزاری روز کارگر در ملا عام شلاق بزند؟ رهبران سندیکاهای کارگری را به خاطر دفاعشان از حق داشتن اتحادیه صفحه ۳

بنیادین و انتقال ناپذیر است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی میشود. بیانیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ در واقع سه سال بعد از تأسیس سازمان ملل و درست بعد از پایان جنگ جهانی دوم، نوشته شده و تا به امروز ظاهراً بیش از ۱۴۸ کشور، از جمله ایران پای آن را امضا کرده است. سند ۳۰ ماده ای حقوق صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ماشین سرکوب رژیم...

مناسبت‌های مختلف مردم علیه جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند، به خیابان آمده اند، پیشروی و عقب نشینی کرده اند، زندان رفته اند، اعدام و سنگسار شده اند و باز به اعتراض خود ادامه داده اند. اعلام انزجار مردم از جمهوری اسلامی، ریختن به خیابان و تجمع، حق مردم است.

اما عاشورا و تاسوعا و مرگ سران جمهوری اسلامی، زیر پرچم جناح سبز رفتن، راه اعتراض به نابرابری و جنایات سی ساله حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. سبز نماینده اعتراض مردم نیست. جنبش سبز جنبشی ارتجاعی است که بر اعتراض برحق کارگر، زن و جوان این مملکت لباس اسلامی و ارتجاعی کرده است و آن را در خدمت همان اهدافی قرار داده است که سی سال قبل زیر رهبری خمینی جمهوری اسلامی را به مردم تحمیل کردند.

جمهوری اسلامی در مقابل انسان های به جان آمده، اما بی سازمان، با دست باز و بی محابا به هر جنایتی دست می زند. تنها راه خاتمه دادن به این وضعیت به زیر کشیدن ماشین جنگی و سرکوب و ترور جمهوری اسلامی است. و این کار تنها از عهده طبقه کارگر آگاهی بر می آید که در حزب و سازمان های توده ای اش سازمان یافته و رهبری مبارزات و اعتراض میلیون‌ها زن و مردان و جوانان به جان آمده از گرسنگی و فقر و تباهی و سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی را بر عهده می گیرد. این تنها راه متوقف کردن ماشین سرکوب رژیم است.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست، کمونیست ها، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب را به گشودن جبهه ای قدرتمند و مستقل از جناح های جمهوری اسلامی، در مقابل این جنایات فرا می خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۱ دسامبر ۲۰۰۹

سنت مردگان در ذهن ...

و اعلام اینکه "مذهب شیعه دین رسمی در ایران است" در قانون اساسی مشروطه تا مارکسیست هائی که سوسیالیسم را از "مولا علی" آموختند و بخصوص در جنبش اسلامی دوران انقلاب ۵۷ این سنت پا برجای بورژوازی ایران حاکم است.

بورژوازی میداند که خارج از عباي مذهب جامعه ایران میتواند علاوه بر میلیتاریسم رادیکالیزه شود. اما رادیکالیزه شدن جامعه در مناسبات سرمایه داری بی برو و برگرد طبقه کارگر رادیکال را به میدان میکشد و این کابوس کل بورژوازی است. بورژوازی ایران نشان داده است که هر درجه از میلیتاریسم را در غیاب یک رادیکالیسم کارگری میتواند در خود هضم کند. دو انقلاب مشروطه و انقلاب ۵۷ ایران نمونه های مجسم این حکم اند.

امروز هم همین پدیده در جریان است. از مقطعی که جنبش بورژوازی "لیبرال" ایران (لیبرال به معنی تاجریستی - ریگلیستی آن) و جنبش سیاسی آن یعنی ناسیونالیسم پرو غرب، به سردمداری بوش و نئولیبرالیسم از جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم آن شکست خورد، دو چشم انداز در مقابل جامعه ایران باز شد: رادیکالیزه شدن بیشتر و به میدان آمدن طبقه کارگر یا توسل مجدد به مذهب و قالب کردن نوعی از میلیتاریسم بجای ریکالیسم کارگری. به میدان آمدن طبقه کارگر و با از میدان خارج کردن آن، به عنوان طبقه، و چپاندن اعتراض در قالب جنبش های بورژوائی ایران. بورژوازی لیبرال ایران همتایان غربی آن، درست مانند سال ۵۷، این راه نوم را انتخاب کردند. اینبار بجای خمینی، موسوی و منتظری را نشانند.

از مقطعی که اوپاما با ندای "سلام علیکم" و قبول جمهوری اسلامی در جامعه بین المللی این شکست را اعلام کرد، تمام جنبش های بورژوائی ایران خود را منطبق کردند. لباس سبز بر تن کردند و با شعار اسلامی و رهبری آیت الله دیگری به میدان رقابت در چارچوب جمهوری اسلامی شتافتند. حتی "کهنه مسلمان" ها نوباره مسلمان شدند.

مرگ منتظری و مراسم تاسوعا و عاشورا به بورژوازی لیبرال ایران فرصت داد تا تلاش کند که منفذ هر جنبش رادیکالی را سد کند. طبق مدل همیشگی البته حزب بی بی سی و لشکر ژورنالیسم بورژوائی را همراه خود کرد.

این جنبش تنها برای طبقه کارگر بلکه برای ابتدائی ترین خواست های آزادیخواهانه و انسانی جامعه ایران هیچ چیز در بر ندارد بلکه تماما علیه آن است. کمونیست ها وظیفه دارند که صورتی عمق ارتجاعی این جنبش را برای طبقه کارگر و برای همه آزادیخواهان افشا کنند و جنبش آزادی و برابری طبقه کارگر را خشت به خشت در عرصه فکری - سیاسی و در عرصه عملی سازمان دهند و آن را در مقابل این ارتجاع سبز قرار دهند.

جمهوری اسلامی و کل محنت آن را باید سرنگون کرد اما بورژوازی ایران یک بار دیگر نشان داد که تنها علاقه ای به منفعت طبقه کارگر ندارد بلکه به آزادیخواهی بی ربط است. سود سرشار ناشی از کار ارزان و کارگر خاموش وجود آزادی های سیاسی و ضدیت نهادی با اختلاط دین و دولت را برای بورژوازی ایران "پرهزینه" و مهلک میکند. جنبش های بورژوائی ایران نمیتوانند از آزادی های سیاسی، از حق زن، از بهبود شرایط کار و زیست طبقه کارگر، حتی در یک چارچوب رفهرمیستی، دفاع کنند. منفعت شان ایجاب نمیکند. پوشاندن لباس اسلامی بر جنبش سکولاریسم، عقب نشستن از ضرورت جدائی دین از دولت و نخیل بستن به "فمینیسم اسلامی" تنها مرحله اول این ضد انقلاب اسلامی است.

آزادی و رهائی در جامعه ما جدا از جنبش طبقه کارگر محال است. مبارزه برای آزادی از مبارزه برای برابری جدا نیست. اتصال مادی این دو جنبش را تنها حضور مستقل طبقه کارگر ایران در جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن میکند. فقدان این حضور اساسا به ضعف کمونیسم طبقه کارگر و به تاراج دست آوردهای کمونیسم طبقه کارگر توسط کمونیسم بورژوائی مربوط است.

جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد. اما درست مانند نظام سلطنتی سرنگونی داریم تا سرنگونی. سرنگونی جمهوری اسلامی به نفع تحقق آزادی و رهائی از سرنگونی جمهوری اسلامی به نفع برابری جدا نیست. و این سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است که تنها از جنبش کمونیستی طبقه کارگر ساخته است. چند بار باید این تجربه را تکرار کرد؟ تا هنگامی که کمونیسم طبقه کارگر خود را از همه شائبه های کمونیسم بورژوائی بتکند. تاسوعا و عاشورای امسال تکرار مضحک تراژدی تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ است. فراتر از آن ما در حال تکرار تجربه ۱۶۰ سال پیش هستیم. وقتی که مارکس نوشت:

"آدمیان هستند که تاریخ خود را میسازند ولی نه آنگونه که دلشان میخواهد، یا در شرایطی که خود انتخاب کرده باشند؛ بلکه در شرایط داده شده ای که میراث گذشته است و خود آنان بطور مستقیم با آن درگیرند. بار سنت همه نسلهای گذشته با تمامی وزن خود بر مغز زندگان سنگینی میکند. و حتی هنگامی که این زندگان گویی بر آن میشوند تا وجود خود و چیزها را به نحوی انقلابی دگرگون کنند، و چیزی یکسره نو بیافرینند، درست در همین دوره های بحران انقلابی است که با ترس و لرز از ارواح گذشته مدد میطلبند؛ نامهایشان را به عاریت میگیرند، و شعارها و لباسهایشان را، تا در این ظاهر آراسته و در خور احترام، و با این زبان عاریتی، بر صحنه جدید تاریخ ظاهر شوند.

انقلاب اجتماعی قرن نوزدهم چکامه خود را از گذشته نمیتواند بگیرد، این چکامه را فقط از آینده میتوان گرفت. این انقلاب تا همه خرافات گذشته را نروید و نابود نکند قادر نیست به کار خویش بپردازد. انقلابهای پیشین به یادآوری خاطره های تاریخی جهان از آن رو نیاز داشتند که محتوای واقعی خویش را بر خود ببوشند. انقلاب قرن نوزدهمی به این گونه یادآوری ها نیازی ندارد و باید بگذارد که مردگان سرگرم دفن مرده های خویش باشند تا خود به محتوای خویش بپردازد. در گذشته، مضمون به پای عبارت نمیرسید، اکنون عبارت است که گنجایش مضمون را ندارد...

انقلابهای پرولتاریائی برعکس، مانند انقلابهای قرن نوزدهم، همواره در حال انتقاد کردن از خویش اند، لحظه به لحظه از حرکت باز میایستند تا به چیزی که بنظر میرسد انجام یافته، دوباره بپردازند و تلاش را از سر گیرند، به نخستین تودلی ها و ناتوانیها و ناکامیها در نخستین کوششهای خویش بی رحمانه میخندند، رقیب را به زمین نمیزنند مگر برای فرصت دادن به وی تا نیرویی تازه از خاک برگردد و به صورتی دهشتناک تر از پیش رویاروی شان قد علم کند، در برابر عظمت و بیکرانی نامتعیین هدفهای خویش بارها و بارها عقب مینشینند تا آن لحظه ای که کار به جایی رسد که دیگر هرگونه عقب نشینی را ناممکن سازد و خود اوضاع و احوال فریاد برآورند که "رونس همینجاست، همینجا است که باید جهیدا گل همینجاست، همینجاست که باید رقصیدا!" (مارکس - هژدهم برومر لونی بنیپارت)

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

"اینترپل" گیت

فارسی زبان و غیر فارسی زبان در مورد این اقدام اینترپل، چگونه بوده است و مختصراً چه اقداماتی شده است.

ثریا شهابی: اقدام اینترپل درست روزهایی صورت گرفت که در غرب مردم به پیشواز سال جدید میرفتند و طبعاً همانطور که انتظار آن را داشتیم عکس العمل ها و فعالیت ها تحت تاثیر مشغولیت های سال نو قرار گرفت. با این وجود به محض اعلام خبر موج وسیعی از اعتراض از طرف بسیاری از سازمانهای سیاسی، افراد و شخصیت های اپوزیسیون، هنرمندان مترقی و معترض براه افتاد. حزب حکمتیست، که لبه تیز تیغ این اقدام اینترپل در وهله اول متوجه اعضا رهبری و فعالین و دوستداران آن است، بلافاصله یک سری اقدامات وسیع از جمله تهیه متریال به زبانهای مختلف و ارسال نامه های اعتراضی براه انداخت و انعکاس وسیعی یافت.

اما تا آنجا که به کمپین "ایست" مربوط میشود این کمپین حرکتی فراحزبی است و توسط تعدادی از شخصیت های سیاسی و فرهنگی فراخوان داده شده است. کمپین "ایست" به محض اعلام، مورد استقبال و حمایت تعداد زیادی از شخصیت های اپوزیسیون و فعالین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قرار گرفت. نامه های بسیار زیادی چه از فارسی زبانان چه غیرفارسی زبانان دریافت کرده ایم. تعداد زیادی به اینترپل نامه اعتراض نوشته اند، پتیشن های ما را امضا کرده اند، تعدادی مستقلانه خود کمپین های اعتراضی براه انداخته اند. انتظار می رود که بعد از سال جدید این حمایت ها بسیار گسترده تر شود. به اعتقاد من بخش اعظم اپوزیسیون رادیکال جمهوری اسلامی (سیاسی و فرهنگی) متوجه اهمیت و عمومیت داشتن این تعرض هستند. این که دامنه عکس العمل ها محدود و یا گسترده است، امر دیگری است که در فرصتی میتوان در مورد آن جداگانه صحبت کرد.

اما تا آنجا که به رسانه های غیر فارسی زبان برمیگردد، تا این لحظه این اقدام بشکل بسیار وسیع و گسترده ای در رسانه های محلی و سراسری سوئد منعکس شده است. ده نفر از افراد معرفی شده توسط اینترپل، شهروند سوئد و تحت حمایت قانونی و امنیتی این کشور هستند. به این اعتبار اقدام اینترپل بعنوان اقدامی علیه "شهروندان سوئدی" به موضوع روز در این کشور تبدیل شده است. ژورنالیست های زیادی از طریق رسانه های یقه مقامات ریز و درشت پلیس و وزارت امور خارجه و اینترپل را گرفته اند. گفته

مستقل و غیردولتی و به جرم اعتراض به بی حقوقی کارگران شکنجه کند، در زندان نگاه دارد و یک کلام هم نگوید جرم آنها چی است؟ چند حکومت را میشناسید که بر سر میز مذاکره و آشتی سیاسی، روز روشن طرفهای مذاکره اش را به رگیار ببندد، شومن و خواننده را قصابی کند، وزرا سابق خودش را یا ترور کند یا اعدام، فعال سیاسی که به دیدار مادرش می رود را به دام بیندازد و به قتل برساند؟ چند دولت را میشناسید که مردم را به خاطر نوع لباس و رفتار شخصی و معاشرت سی سال "داغ" کند؟ مادر را برای قتل فرزند از نظر سیاسی "تاخلف" به خدمت بگیرد؟ سالها و سالها دستمزد کارگران و کارکنان جامعه را نپردازد؟ کودکان را برای جنگیدن، کشتن و کشته شدن روانه میدانهای مین کند؟ تیم های آم کشی اش را ملیس به مامورین سفارتخانه ها برای شکار مخالفین سیاسی اش روانه خارج کشور کند؟ در عصر انقلاب انفورماتیک برای چاقو کشی بر روی نویسنده و مترجم و ناشرین کتب "ممنوعه" فرمان مذهبی و فتوا صادر کند یا آنها را مخفیانه به قتل برساند؟ بدون دادگاه صدها هزار نفر را بکشد و تکلیف مجرمیت و عدم مجرمیت شان را به روز قیامت حواله دهد؟ برای "تظهير اسلامی" دختران محکوم به اعدام "آئینامه و قانون" تجاوزجنسی داشته باشد؟ حتماً حکومت هلی می هستند که چند فقره ای از این نوع جنایات را در پرونده دارند. اما جمهوری اسلامی تنها حکومتی است که مجموعه کاملی از بوی ترین و پیشروترین گنگسترسیسم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و طبقاتی را تمام و کمال از آن خود کرده است. توطئه امروز جمهوری اسلامی در معرفی شخصیت های اپوزیسیون به پلیس بین الملل، از این جنس است. اینکه چرا امروز دست به چنین اقدامی زده است، کاملاً روشن است. این ادامه سیاست

سرکوبها در داخل ایران است. سیاست ادامه چوبه های دار و بساط بگیر و ببند و احکام طولانی حبس و زندان فعالین سیاسی است از یک طرف، و از طرف دیگر زنگ زند و بی مصرف شدن حربه های سنتی سی سال قبل! از این پس باید انتظار تولید ابتکارات و اختراعات جدیدتری در تقابل با اپوزیسیون رادیکال را داشت.

کمونیست هفتگی: شما سخنگوی کمپین "ایست" ! به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی" هستی. فعالیت های کمپین به کجا رسیده است و کلا برخورد جامعه

میشود که وزارت خارجه سوئد رسیدگی به این قضیه را در دستور کارش گذاشته است. ۲۹ دسامبر تلویزیون دولتی سوئد، در صدر اخبار خود اعلام کرد که دولت ایران پلیس بین المللی را مأمور دستگیری فعالین سیاسی ایرانی تبار بعضاً ساکن سوئد کرده است. رادیو دولتی، سراسری پژواک خبر شکایت فعالین سیاسی از همکاری اینترپل و جمهوری اسلامی را منعکس کرده و در این روز اینترپل و اعتراض به آن در راس اخبار سراسری سوئد قرار گرفت. رسانه ها آن را در کنار اخبار مربوط به سرکوبهای جاری رژیم وسیعاً منتشر کردند. دو کاتال رادیو و تلویزیون سراسری در رپرتاژ خبری خود در این مورد با رسول بنیواند و مظفر محمدی از جمله افراد به اصطلاح تحت تعقیب، و همچنین با آرزو محمدی (از سخنگویان کمپین) گفتگوهای مفصلی داشته، روزنامه سکندیا با خالد حاج محمدی (از دیگر افراد معرفی شده) مصاحبه ای در این مورد منتشر کرده و آسوشینتپرس هم در این مورد گزارشی منتشر کرده است. طی کمپین دیگری در اعتراض به اقدام اینترپل حدود ۶۰۰ نفر بیاتیه کمونیستها و آزادیخواهان کردستان را امضا کرده اند. خوانندگان میتوانند اخبار آنها را در سایت اینترتی و فیس بوک کمپین دنبال کنند.

این کمپین تا امروز با توجه به محدودیت های تعطیلات سال نو، مورد استقبال و حمایت وسیع قرار گرفت است، اما این هنوز کافی نیست. ما باید تعداد هرچه بیشتری از مطبوعات، رادیو تلویزیونهای فارسی و غیر فارسی زبان، احزاب، انجمن ها و نهادهای سیاسی و فرهنگی مترقی، اتحادیه های کارگری، شخصیت های سیاسی را به حمایت از کمپین و اعتراض به اینترپل دعوت کنیم. باید تعداد هرچه بیشتری از وزارتخانه های خارجه و پلیس های کشورهای مربوطه را برای تعین تکلیف با اینترپل تحت فشار قرار داد.

کمونیست هفتگی: در مورد اینترپل و جمهوری اسلامی مختصراً چه فکر میکنید؟

ثریا شهابی: باید و میتوان کاری کرد که اینترپل این اقدام را متوقف کند و بلافاصله عکس و مشخصات مجرمین

برای امضا نامه اعتراضی به اینترپل به سایت کمپین مراجعه کنید
<http://stopterrorism.org/farsi>

مرگ بر جمهوری اسلامی!

شیرین عبادی و ...

هم تنها مخالف اعدام کسائی بوده است که از افکار خود اعلام ندامت کرده و پشیمان شده اند.

تا جایی که به منتظری برگردد لازم به توضیح بیشتری نیست. اما خاتم عبادی در دفاعیات خود بیش از هر چیز جایگاه انسان و حقوق انسان را از دیدگاه خود و آنچه امیال جنبشی است که عبادی هم از سخنگویان آن است را به نمایش میگذارد. منتظری هر چه بوده است، یکی از رهبران جمهوری اسلامی و یکی از سخنگویان و مراجع تقلید اسلام و حکومت اسلامی در سه دهه اخیر بوده است که دشمنی آن با آزادیخواهی و با ابتدائی ترین حقوق انسان و حتی با حقوق بشر مورد اشاره خاتم عبادی بسیار عیان تر از اینها است. اما تحویل دادن امیال جنبشی اسلامی از نوع سبز آن و به رهبری منتظری دیگر نباید در بی ریعی امثال عبادی به دفاع از حقوق زن و آزادی بیان و عقیده و تشکل و اعتراض و انتقاد، برای کسی شبه باقی گذاشته باشد. جیشی که منتظری پدر حقوق بشر آن و خاتم رهنورد مدافع آن و امثال عبادی از سخنگویان آن باشد، بی شک شاخه ای از همان جنبش است که در سی سال گذشته جز استبداد و محرومیت و آزادی ستیزی و زن ستیزی برای مردم ایران و خصوصا زنان به ارمغان نیاورده است. مردم ایران، زن و جوان در این جامعه شایسته زندگی انسانی تر از آنند که عبادی می خواهد وعده اش دهد. مدافعان حقوق زن و حقوق انسان در ایران نه رهنورد و خاتم عبادی و منتظری، بلکه کسائی بودند و هستند که سالهاست در مقابل کل این جانیان با جناحهای سبز و سیاه ایستادند اما هرگز نان به هیچ کدام قرض ندادند. زلتی هستند که در مقابل هجوم خواهران زینب به رهبری زهرا رهنوردها ایستادند و از برابری زن و مرد دفاع کردند، جانشان به خطر افتاد، و به زندان افتادند، برویشان اسید پاشیده شد و بخشا اعدام شدند. مدافعان حق انسان کسائی هستند که سر راست از آزادی و برابری انسانها، از حق کودک و آزادی مذهب و بی مذهبی، از حق حیات و بهرمندی مردم از رفاهیات جامعه دفاع میکنند، که از آزادی بیان و عقیده و اعتصاب و اعتراض دفاع میکنند. شیرین عبادی به شعور مردم ایران توهین کرده است. و یک عذرخواهی به مردم مبارز، به زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب، به خانواده های زندانیان و اعدام شدگان سه دهه در ایران مفروض است.

بیانیه کمونیستها و ...

فورا این لیست را ملغی کند. ما انترپول و پلیس و دولت های عضو این نهاد را مسئول مستقیم هر اتفاقی که برای این افراد بیفتد میدانیم.

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست هستند.

جمهوری اسلامی و رهبران آن که چنین توطئه ای را علیه اپوزیسیون سازمان داده اند، از جمله جنایتکارانی هستند که فی الحال به اتهام نسل کشی مخالفین خود و ترور کسائی مانند غلام کشاورز، صدیق کمانگر، عبدالرحمان قاسملو، صادق شرفکندی، شاپور بختیار، عبدالرحمان برومند، فریدون فرخزاد، و همچنین انفجارات تروریستی در فرانسه و آرژانتین و سرکوب و ترور مستمر مخالفین خود توسط دادگاه های اروپا و آمریکا و همین پلیس بین المللی تحت تعقیب اند. اینکه پلیس بین المللی چنین حکمی را از چنین کسائی پذیرفته است تنها مایه شرمندگی این نهاد است.

ماهیست پرونده سازی جمهوری اسلامی محتاج هیچ افشاگری ای نیست. آنچه لازم به تاکید است این است که اگر این توطئه در همین نطفه خفه نشود این لیست طولانی تر و طولانی تر خواهد شد و دیر یا زود همه مخالفین جمهوری اسلامی را در بر خواهد گرفت.

ماهیست پرونده سازی جمهوری اسلامی محتاج هیچ افشاگری ای نیست. آنچه لازم به تاکید است این است که اگر این توطئه در همین نطفه خفه نشود این لیست طولانی تر و طولانی تر خواهد شد و دیر یا زود همه مخالفین جمهوری اسلامی را در بر خواهد گرفت.

همین پلیس بین المللی تحت تعقیب اند.

اینکه پلیس بین المللی چنین حکمی را از چنین کسائی پذیرفته است تنها مایه شرمندگی این نهاد است.

ماهیست پرونده سازی جمهوری اسلامی محتاج هیچ افشاگری ای نیست. آنچه لازم به تاکید است این است که اگر این توطئه در همین نطفه خفه نشود این لیست طولانی تر و طولانی تر خواهد شد و دیر یا زود همه مخالفین جمهوری اسلامی را در بر خواهد گرفت.

list.hemayati@gmail.com

شماره تلفنهای:

۰۰۴۶۷۳۹۲۲۰۹۶۶

۰۰۴۶۷۰۰۱۹۴۵۰۳

۰۰۴۶۷۳۹۱۶۰۷۲۴

این بیانیه تا کنون به امضا

۶۰۰ نفر رسیده است.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمیتست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com



کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید